

سوالات پیرامون قانون اجرای سیاست‌های کلی  
اصل چهل و چهار قانون اساسی و نقش مجلس خصوصی کشور

مصاحبه شونده محسن خلیلی عراقی عضو شورایی عالی اجرای  
سیاست‌های کلی اصل چهل و چهار قانون اساسی

بهمن ماه ۱۳۸۹

جناب آقای داودخانی  
مدیر کل محترم دفتر برنامه ریزی و نظارت  
بر اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

با سلام و احترام

عطف به نامه شماره ۶۳/۱/۱۶۵۳۰۴ مورخ ۸۹/۹/۲ منضم به سوالات پیرامون قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و نقش بخش خصوصی کشور، ضمن اظهار تشکر و امتنان از لطف جنابعالی در زمینه تبریک به مناسبت انتخاب اینجانب به عنوان "قهرمان قهرمانان صنعت ایران" که آن را مدیون همراهی و همگامی همه یاران و همکاران گرامی خود می دانم، اشعار می دارد:

اینجانب طول دوره انتصابم در شورای عالی اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و مشارکت در ایفای وظایف و اهداف شورای مذکور به ریاست عالیہ رئیس جمهور محترم، همچنین حضور در جلسات کمیسیون تخصصی آن شورا و همکاری با دفتر تحت مدیریت آن جناب و نیز شرکت در سمینارهای مرتبط با موضوع و اهداف شورای عالی سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بهره فراوان برده ام و به دانش و معلوماتم افزوده شده است.

به عنوان عضو شورای عالی اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، انجام مصاحبه با اعضای محترم کمیسیون تخصصی شورای مذکور و حتی دیگر کارشناسان و متخصصان را یک انتخاب سازنده و اثرگذار در راستای تحقق اهداف قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی می دانم که می تواند یک اقدام فرهنگی-اجرایی تلقی شود و ضمن اطلاع رسانی پیرامون سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در دریافت و کاربست راهکارهای پیشنهادی موثر واقع شود. باید اذعان نمایم، سوالاتی که برای انجام مصاحبه انتخاب شده است یکی از دیگری با اهمیت تر و نشان از تجربه، تبحر و دانش لازم و عمیق آن جناب دارد و چنانچه پاسخ های علمی و کارشناسانه ارائه گردد، بدون شک در راهبری و هدایت این اقدام تحول ساز تأثیرگذار خواهد بود.

مایلم عنوان نمایم که بیشترین تلاش های متصور در خصوص تعدیل اصل ۴۴ قانون اساسی طی خدمت و حضورم در اتاق ایران با راهبری آقای مهندس علی نقی خاموشی و نیز نهادهای کارشناسی تشکل گرای به سرپرستی اینجانب بوده است که این مساعی ابتدا منتهی به توقف قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران در سالهای اولیه دهه ۱۳۶۰ از سوی مقام معظم رهبری و سپس یاری رسانی به تفکر و تحول اصل ۴۴ قانون اساسی، صدور ابلاغیه مقام معظم رهبری و تصویب قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی گردید که گام بلندی در راستای خصوصی سازی اقتصاد کشور تلقی می شود. در مسیر این حرکت اقتصادساز، اتاق ایران در سالهای ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ با همکاری گروهی از کارشناسان اقتصادی طرح "مالکیت فراگیر به عنوان ابزاری برای فقرزدایی، گسترش عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی" و "گامی به سوی اصلاح ساخت اقتصاد ملی" را تدوین نموده است که اصل و خلاصه آن به پیوست تقدیم می گردد. همچنین جزوه تکثیر شده از سوی اینجانب با عنوان "طرح سهام عدالت در ایران" برگرفته شده از "تجزیه و تحلیل طرح واگذاری سهام عدالت، ایمان حقیقی، مجله راهبرد یاس، شماره ششم" که بیانگر وجود مشکلات کشورهای در حال گذار اروپای شرقی و روسیه در فرآیند خصوصی سازی اقتصاد است، به پیوست می باشد. حاصل مطالعات مورد اشاره در فوق مبین این نکته مهم و اساسی است که توفیق در خصوصی سازی اقتصاد مستلزم بسترسازی و ایجاد نهادهای لازم برای بخش خصوصی است که از مهمترین وظایف دولت محسوب می شود. به عنوان نمونه اگر "تروی هنداشتال" توانست برنامه خصوصی سازی در آلمان شرقی را به سرمنزل مقصود برساند، به دلیل برخورداری از پشتوانه قوی و محکم بخش خصوصی بود که خود حاصل و نتیجه تغییر و تحول در نهادهای گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی بعد از انقلاب صنعتی اروپا بوده است که به تأیید تاریخ ما فاقد آن هستیم.

با این حال، آنچه بوسیله وزارت امور اقتصادی و دارایی و زیرمجموعه آن پیرامون قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تاکنون انجام گرفته است، از نگاه اینجانب مثبت و موثر و مایه تقدیر و حق شناسی بوده و سرآغاز مناسبی برای انجام

اقدامات بزرگ در گسترش اقتصاد خصوصی محور و توسعه بخش خصوصی به حساب می آید که لازم و ضروری است با اتحاد، همدلی و همفکری دولت، بخش خصوصی، متخصصان و فن پیشه گان، کارشناسان و خواست عمومی و مشارکت مردم راه تکمیل و جامعیت را بیماید.

در پایان ضمن سپاسگزاری و ارج نهادن بر تلاش ها و کوشش های صمیمانه وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی - که اینجانب را نامزد عضویت در شورایعالی اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نموده اند- و مجموعه تحت مدیریت ایشان، کمیسیون تخصصی شورایعالی سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، همچنین مجاهدت های پیگیر و صمیمانه جنابعالی و همکارانتان، از خداوند قادر متعال آرزوی توفیق روزافزون برای آن سرور گرامی و همه خدمتگزاران به این مرز و بوم را مسئلت داشته و اضافه می نماید که پاسخ های ارائه شده به سوالات پیرامون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و نقش بخش خصوصی کشور به پیوست جهت امعان نظر ایفاد می دارد.

با تقدیم تحیات و آرزوی توفیق  
محسن خلیلی

سوالات پیرامون قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و

نقش بخش خصوصی کشور

مصاحبه شونده: مهندس محسن خلیلی عراقی

عضو شورای عالی اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

۱- جناب آقای خلیلی عراقی، ضمن تبریک انتخاب شما به عنوان "قهرمان قهرمانان صنعت ایران" خواهشمند است جایگاه بخش صنعت کشور را در تحقق اهداف قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی تشریح بفرمایید؟

صنعت، بخش اصلی اقتصاد کشور و در واقع موتور محرکه آن است به گونه ای که صاحب نظران اقتصاد، توسعه صنعت را مترادف با توسعه اقتصادی می دانند. امروزه در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران این امیدواری وجود دارد که از طریق توسعه صنعت بتوان بر مشکلات عقب ماندگی فائق آمد و موجبات استفاده بهینه و مطلوب از منابع طبیعی، مواد خام، سرمایه و نیروی انسانی را فراهم نمود. تحقق نرخهای رشد اقتصادی بالا، برطرف نمودن بیکاری و کم کاری، از بین بردن فقر و نداری، گسترش عدالت اجتماعی، بهبود آموزش و بهداشت و نیز بهره برداری از ظرفیت های فراوانی که کشور ما در اختیار دارد، از طریق توسعه صنعت امکان پذیر است. در این راستا، صنعت به عنوان یک زیر مجموعه از اقتصاد و داشتن ارتباط تنگاتنگ با دیگر بخشها (کشاورزی، نفت، معدن، بازرگانی، خدمات و ...) با رشد و شکوفایی خود و نیز با ایجاد روش ها و ابداع ابزارهای نوین تولید و افزایش بهره وری، هم چنین با ارتقای سطح دانش و مهارتها و توانمندی های علمی و فنی نیروی انسانی جامعه از یک سو پاسخگوی نیازهای متنوع و گوناگون افراد و احاد جامعه بوده و از سوی دیگر موجبات افزایش سطح درآمد و قدرت خرید مردم و بالارفتن پس انداز در اقتصاد ملی را فراهم می آورد. با چنین رویکردی و نیز باتوجه به اهداف سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی یعنی، تسریع رشد اقتصادی، گسترش مالکیت، ارتقای کارآیی اقتصادی، افزایش رقابت پذیری، کاهش تصدی گری دولت، افزایش اشتغال، تشویق مردم به پس انداز و سرمایه گذاری و تأمین عدالت اجتماعی، می توان گفت بخش صنعت کشور در تحقق این اهداف از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است.

۲- مهمترین موانع و محدودیت های تحقق اهداف قانون اجرای سیاست های کلی اصلی ۴۴ قانون اساسی را بیان بفرمایید؟ به اعتقاد شما چگونه می توان در جهت تسریع و تسهیل اجرای این قانون حرکت کرد؟

براساس قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که گامی بلند در تحول اقتصاد کشور محسوب می شود، جهت گیری رسمی نظام اقتصادی کشور می بایست به سمت گسترش اقتصاد خصوصی محور و توسعه بخش خصوصی باشد. در حالیکه متأسفانه برغم بیش از یکصد سال سابقه ورود اقتصاد ایران به دوران مدرن هنوز بینش و نگرش مسئولان و مردم به سرمایه گذاری بخش خصوصی منفی بوده و بعضاً از آن به عنوان ضدعدالت تعبیر می شود. بنابراین در چارچوب این نگرش، زیر سوال بردن دائمی و همیشگی بخش خصوصی، ایجاد تشویش و نگرانی برای ایجاد سرمایه و سرمایه گذاری بخش خصوصی، ضد ارزش نشان دادن هرگونه فعالیت اقتصادی بزرگ مقیاس در بخش خصوصی، وابسته نشان دادن هرگونه تشکیل سرمایه بزرگ مقیاس توسط بخش خصوصی، خطرناک نشان دادن فعالیت اقتصادی بخش خصوصی برای قشر فقیر و آسیب پذیر، نبود احترام نسبت به مالکیت خصوصی، نبود فرهنگ ارزش گذاری کارآفرینی، محترم نشمردن سرمایه و سرمایه گذار، ضد عدالت دانستن حمایت از سرمایه گذاری بخش خصوصی، و نگاه منفی به سرمایه داری و سرمایه گذاری بخش خصوصی، از جمله مهم ترین موانع و محدودیت های تحقق اهداف قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است.

تسریع و تسهیل اجرای قانون سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مستلزم فرهنگ سازی در سطح ملی است. قدم اول فرهنگ سازی، فراخوانی و اطلاع رسانی مناسب جهت تفهیم نهضت دولت و حکومت زدایی از اقتصاد به عموم مردم مخصوصاً فرهنگیان، دانشگاهیان، دانشجویان، دانش آموزان و سایر گروه های ذینفع در مالکیت اموال عمومی و انتقال این فرهنگ از طریق آنان به سایر اقشار جامعه است. در واقع با دادن آگاهی به مردم این بینش و نگرش را در جامعه حاکمیت کنیم که به نفع همگان است که دولت از اقتصاد کنار بکشد و اقتصاد خصوصی محور مبنای کار قرار گیرد. در این راستا انجام اقداماتی ضرورت پیدا می کند که در زیر به چند نمونه آن اشاره می شود:

- فراهم آوردن زمینه گفتگوی آزاد و منصفانه در چارچوب موازین علمی و نظری برای کالبد شکافی فرآیند گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد خصوصی محور.
- تدوین مبانی نظری، دینی، علمی و فلسفی اقتصاد خصوصی محور.
- آماده کردن جامعه برای پذیرش تغییرات سازمانی و جابجایی های بزرگ نیروی انسانی در گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد خصوصی محور.

- آماده کردن جامعه برای پذیرفتن فلسفه مردم سالاری به جای فلسفه دولت سالاری در اقتصاد.
- فراهم نمودن زمینه تغییر در پارادایم ها و انگاره های ذهنی سیاست گذاران، مدیران، مجریان و دست اندرکاران کلیدی عرصه اقتصاد کشور و آماده نمودن آنها برای تحمل هزینه های سیاسی و مالی کوتاه مدت اجرای فرآیند گذار به منظور دستیابی به منافع عمومی بلند مدت.
- ارائه رهنمودها و توصیه های سازنده به عامه مردم برای دوراندیشی و پرهیز از شتاب زدگی و ناشکیبایی در رویارویی با تحولات ناشی از اجرای فرآیند گذار.
- کمک به شفاف سازی ضوابط، معیارها و شیوه های اجرای فرآیند گذار به عنوان گامی ضروری برای تضمین سلامت رفتاری اقتصاد.
- تشویق مردم به سرمایه گذاری هرچه بیشتر در شرایط گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد خصوصی محور.
- برگزاری همایش های گوناگون برای نقد و بررسی چگونگی انتقال از اقتصاد دولتی به اقتصاد خصوصی محور.
- فراهم آوردن زمینه اعتقاد و وفاداری مراجع قانونگزاری، اجرایی و نظارتی به پیگیری و اجرای قانون سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.
- پایش ثمر بخشی تحقق اهداف و کارآیی اجرای قانون سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی مقام های نظارتی در جهت اصلاح فرآیندها و تصمیمات.

۳- به نظر شما بخش صنعت تا چه حد توانسته است از ظرفیت های قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی برای ایجاد رونق در کسب و کار و بهبود فضای اقتصادی کشور استفاده نماید؟

اگر چه با تصویب قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی پس از گذشت حدود ربع قرن از انقلاب اسلامی، یکی از بزرگترین موانع حقوقی حضور بخش خصوصی در حوزه های زیربنایی، نهادهای مالی و صنایع بزرگ برداشته شده است ولی به تنهایی کافی نیست. امر واقع این است که باید بتوان با اجرای صحیح این قانون، اصول و چارچوبی که سلامت رفتاری اقتصاد را تضمین می کند، در کشور نهادینه کرد. این وظیفه البته بر دوش دولت گذاشته می شود تا اجزا و نهادهای لازم برای توانمندی، گسترش و مشارکت فعال و کارآمد بخش خصوصی کارآفرین برای استفاده مطلوب از ظرفیت های قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ را فراهم نماید تا در نهایت به ایجاد رونق در کسب و کارها منجر گردد. تامین ثبات سیاسی و امنیت اقتصادی، نهادینه کردن قوانین و مقررات،

شفاف نمودن عملکرد بنگاه ها، ایجاد و تقویت روحیه کسب و کار در بنگاه ها، استقرار نهادها و نظاماتی برای کاهش ریسک، ایجاد نهادهای مالی متناسب با شرایط بنگاه ها، تضمین حقوق مالکیت اعم از مادی و معنوی، رفع تبعیض و موانع رقابت، و تعریف اصول و موازین ورود به کسب و کار، از جمله اقداماتی است که دولت بایستی در روند اجرای این قانون به خوبی آنها را انجام دهد.

با این توصیف چنانچه بدنبال آن هستیم که بخش صنعت از ظرفیت های قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی برای ایجاد رونق در کسب و کار و بهبود فضای اقتصاد کشور استفاده نماید، اولاً دولت بایستی همزمان که فعالیتها را واگذار می کند اجزا و نهادهای لازم برای توانمندسازی بخش خصوصی و پشتیبانی از نظام اقتصاد بازار را شکل دهد و در واقع به اصلاح ساختار اقتصاد بپردازد.

دوم آنکه، واگذاری فعالیت های دولتی در یک فرآیند تدریجی حساب شده، از بنگاه های برخوردار از ظرفیت و توان رقابتی مناسب شروع شود تا بخش خصوصی به تدریج قوت گیرد، مراحل یادگیری را به آرامی طی کند و با توسعه بخش خصوصی، اجرای قانون سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به نحو کارآتری صورت پذیرد. بنابراین در واگذاری فعالیت های دولتی ملاک و معیار ما نباید ارزیابی سرعت و شتاب کار باشد بلکه موجبات این تضمین فراهم شود که بعد از واگذاری بنگاه های دولتی، کارایی افزایش پیدا می کند. در واقع آثار اقتصادی و کارآمدی و عملکردی باید ملاک واگذاری بنگاههای دولتی باشد.

سوم، در انتقال وضعیت از یک اقتصاد دولتی به یک اقتصاد خصوصی محور یعنی در فاصله زمانی که دارایی های دولتی به طور کامل واگذار شود، بنگاه های دولتی را می بایست مشمول مقرراتی نمود که تحت آن مقررات، بنگاه های دولتی به شکل یک بنگاه خصوصی اداره شوند تا از یک سو بنگاه های جدید بخش خصوصی بتوانند به رقابت سالم با آنها بپردازند و از سوی دیگر، بنگاه های دولتی به تدریج ظرفیت ها و توانمندیهای رقابتی را کسب کنند و بازدهی شان افزایش یابد.

چهارم، باید توجه داشت که فروش دارایی های دولتی برای افزایش درآمد دولت و جبران کسری بودجه نباید انجام شود بلکه عرضه دارایی های دولتی برای تاثیر بر اقتصاد کلان و افزایش رقابت و توسعه بازار است. بنابراین واگذاری موفق بنگاههای دولتی به معنای مشاهده آثار بهبود مدیریت در اداره موسسه های اقتصادی با هدف افزایش بهره وری و کارآمدی آنها است.

و بالاخره پنجم آنکه، اکثریت قریب به اتفاق بنگاه های بزرگ دولتی، بدون طی مراحل طبیعی رشد بنگاه، به یکباره با جثه ای بزرگ متولد شده اند. این نوع بنگاه ها قبل از واگذاری به اصلاح ساختار نیاز دارند و صرف تغییر مالکیت این بنگاه ها از طریق توزیع



سهام آنها به صورت رایگان و یا فروش آن به قیمت اندک به مردم تأثیری در بهبود و ارتقای مدیریت بنگاه ها و بازار سرمایه ندارد و به افزایش بهره وری و کارآمدی بنگاه های اقتصادی و رونق کسب و کار نمی انجامد. اگر بخواهیم سیاستهای حمایت از اقشار خاصی را دنبال کنیم، بهتر آن است که از محل درآمدهای خصوصی سازی برای آنان هزینه کنیم و با گسترش خدمات اجتماعی، برای اقشار آسیب پذیر امکانات آموزشی و بهداشتی و تغذیه بهتر فراهم کنیم.

۴- آیا در راستای تحقق اهداف قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، واگذاری برخی از تصمیم گیری های بازرگانی - صنعتی را به بخش خصوصی مفید ارزیابی می نماید؟ در صورتی که بخش خصوصی کشور را دارای پتانسیل کارشناسی کافی در این زمینه می دانید مشخصاً پیشنهادات خود را ذکر فرمایید؟

باید توجه داشت که اقتصاد ایران در طول بیش از یکصد سال گذشته همواره اقتصادی دولت سالار بوده است. دولت نه تنها اقتصاد را در مهار خود داشته بلکه بجای تقویت بخش خصوصی مانع رشد و گسترش آن شده است. در واقع اقتصاد دولتی ایران با بوروکراسی دست و پاگیر تحمیلی و ایجاد سدهایی غیرقابل عبور همواره بخش خصوصی را سرکوب کرده و مستضعف و کم توان نگه داشته است. بسیار طبیعی است که بخش خصوصی رنجور شده و مورد تحقیر و ستم قرار گرفته - از زمان قاجاریه تا دوران تحریکات اتحاد جماهیر شوروی سابق و حزب توده ایران و سپس سال های دهه اول انقلاب اسلامی - تاب و توان مشارکت در کارهای بزرگ را نداشته باشد و نتواند مانند " تروی هنداشتال " آلمان شرقی برنامه خصوصی سازی را به سرمنزل مقصود برساند. اما با این حال بخش خصوصی در مسیر تحقق اهداف صنعتی و اشاعه صنعت کشور در تصمیم گیری ها و برنامه ریزی و سیاستگذاری در سطوح خرد و کلان در حد خود و به نسبتی که دولت به مشارکت این بخش در تعیین سرنوشت خود بها می دهد، تاثیر گذار بوده است.

خدمات طرح ها و مطالعات اقتصادی و صنعتی تنها انجمن مدیران صنایع که اینجانب در آن افتخار خدمت دارم، برای قوای مجریه و مقننه در طول سه دهه گذشته در زمینه های بررسی و پیشنهاد قوانین مورد نیاز صنعت، تدوین استراتژیها، و راهکارهای رفع مشکلات اقتصاد و صنعت کشور از جمله تحلیل قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران و متوقف نمودن آن، بررسی قانون تجارت خارجی و از دستور خارج ساختن آن، تحلیل و بررسی قانون مالیات های مستقیم و تعدیل مالیات غیرقابل تحمل بنگاه های اقتصادی، مطالعه و بررسی طرح مربوط به مالیات بر ارزش افزوده، قانون تامین اجتماعی، قانون اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، قوانین تاسیس وزارت صنایع سنگین و وزارت صنایع و

معادن (و سپس الحاق این دو با هم) ، قانون امور گمرکی ، قانون بهره وری، قانون تجدید ارزیابی دارایی ها، قانون جلب سرمایه های خارجی ، قانون و مقررات خصوصی سازی، قوانین بودجه، مقررات مربوط به دریافت مابه التفاوت گشایش اعتبارات ارزی، قانون بازنشستگی پیش از موعد، اصل ۴۴ قانون اساسی، همچنین تدوین استراتژی توسعه صنعتی و ترسیم چشم انداز اقتصاد و صنعت کشور در بلند مدت، تحلیل اقتصاد ایران پس از جنگ تحمیلی و چگونگی گذر از دوران بازسازی و خرابی های جنگ، بررسی جامع استراتژی توسعه صادرات صنعتی، بررسی و تحلیل بودجه کل کشور در بیشتر سالها، بررسی شاخص های اقتصاد ایران، سیاست های ارزی، تورم و سرمایه گذاری ، معرفی بحران اقتصادی و راه های مقابله با آن، تشریح اهداف و سیاست های بلند مدت توسعه اقتصادی، نقدینگی و آثار افزایش رشد آن، تحلیل برنامه های پنج ساله اول تا پنجم توسعه، قاچاق، ترابری و حمل و نقل جاده ای، امنیت اقتصادی، بهبود کیفیت در تولید، و تحلیلی بر پیش نویس قانون ایجاد فضای مساعد کارآفرینی و رفع موانع کسب و کار، موید این امر است.

همچنین افزایش سهم بخش صنعت در اقتصاد کشور طی سالهای ۱۳۰۰ تاکنون تنها ناشی از برنامه ریزی دولت نیست بلکه کارآفرینی و نوآوری و تلاش بخش خصوصی نیز در افزایش سهم بخش صنعت بسیار موثر بوده است. با توجه به حضور نیروی کارشناسی باتجربه، کارآموده و افراد تحصیل کرده در جامعه، توان تخصصی و کارشناسی که بخش خصوصی می تواند در زمینه اجرای قانون سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بکارگیرد، نیز قابل توجه است. یکی از پیشنهادهای مشخص برای استفاده از قابلیت های بخش خصوصی، واگذاری بنگاه های صنعتی به بخش خصوصی (تشکلها- سرمایه گذاران منفرد بخش خصوصی) با تسهیلات بلندمدت و ارزان قیمت است. علیرغم اینکه اعطای این تسهیلات در کوتاه مدت برای دولت ایجاد هزینه می کند، ولی در بلندمدت با توسعه و کارآمدی آن فعالیت ها به رشد اقتصاد ملی کمک خواهد شد.

۵- با توجه به اینکه تهیه پیش نویس قانون " ایجاد فضای مساعد کارآفرینی و رفع موانع کسب و کار" بر عهده اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و اتاق تعاون گذاشته شده است، بخش صنعت چگونه در تدوین قانونی مفید، موثر و کارآ در جهت بهبود فضای اقتصادی کشور نقش داشته است؟ لطفاً پیشنهادات خود را در این زمینه نیز بیان نمایید؟

۶- آیا تدوین و تصویب قوانین را برای رفع موانع کسب و کار و ایجاد فضای کارآفرینی در کشور کافی می دانید؟ چه راه کارهای دیگری در این زمینه وجود دارد که مورد غفلت واقع شده اند؟

امروزه تغییرات سریع و شتابان محیط های اقتصادی و اجتماعی در سطح ملی و بین المللی، تحولات روزافزون فضای کسب و کار، دگرگونی سریع بازارها و افزایش رقابت پذیری سبب شده است تا بیش از گذشته نقش کارآفرین و کارآفرینی به مثابه موتور محرک رشد و توسعه اقتصادی کشورها اهمیت یابد. تدوین راهبردها، سیاستها و برنامه های لازم برای گسترش روحیه و رفتار کارآفرینانه و ایجاد فضای مناسب تر برای فعالیت کارآفرینان در کشورهای پیشرفته و اقتصادهای روبه رشد بویژه در دهه های اخیر حاکی از همین نقش روزافزون کارآفرین و کارآفرینی در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی است.

در کشور ما هنوز تعریف و مشخصات کارآفرین و کارآفرینی بویژه برای بسیاری از دست اندرکاران شناخته شده نیست و شاید به همین دلیل تاکنون برنامه ریزی جامع و بسترسازی مناسبی در حوزه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای توسعه کارآفرینی صورت نپذیرفته است. این در حالی است که کشور ما با مسائل و نارسایی های مهمی نظیر فرار مغزها و سرمایه مادی، ترکیب جمعیتی جوان، نرخ بالای بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی، سهم رو به افزایش زنان در عرضه نیروی کار، تورم، بهره وری پایین، تداوم رشد کند درآمد سرانه وعدم تحرک و رشد اقتصادی کافی مواجه است و از اینرو بروز و ظهور کارآفرینی و نیز رشد و گسترش آن برای توسعه کشور از اهمیت و ضرورت حیاتی برخوردار می باشد. افزون بر این، تحقق اهداف قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در راستای تحقق اهداف سند چشم انداز ۱۴۰۴ لزوم توجه به کارآفرین و کارآفرینی و تاثیر مثبت آن در شتاب بخشیدن به رشد و توسعه اقتصاد ملی، ارتقاء کارآیی بنگاههای اقتصادی و بالابردن بهره وری منابع مادی و انسانی و فناوری، افزایش رقابت پذیری در اقتصاد ملی، افزایش سهم بخش های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، اشتغالزایی پایدار، کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت های اقتصادی، تشویق به پس انداز و سرمایه گذاری و بهبود درآمد خانوارها، و گسترش عدالت اجتماعی و فقرزدایی را از اهمیت بسیار بالایی برخوردار کرده است.

تجارب کشورهای که گام های مثبت و موثری در جهت ارتقای جایگاه و توسعه کارآفرینی برداشته اند حکایت از تلاش دولت های آنها دارد. در واقع توسعه کارآفرینی بطور عمده از طریق مساعی دولت ها امکانپذیر گردیده و دولت های آن کشورها با انواع حمایت ها و پشتیبانی های مالی، فنی، مدیریتی، تحقیقاتی، آموزشی، شبکه سازی و ایجاد ارتباط بین کارآفرینان، هم چنین تعقیب سیاست های مربوط به تحول اداری و کارآفرینی دولتی بستر و شرایط محیطی لازم را برای فعالیت کارآفرینان فراهم ساخته و سپس بخش خصوصی با این بسترسازی به تدریج قادر به ساماندهی داخلی خود برای بسط روحیه کارآفرینی گردیده است. بنابراین می توان گفت که بروز و ظهور کارآفرینان و نیز رشد و بلوغ

آنها در فرآیند رشد و توسعه کشور نیازمند تدوین راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های لازم توسط دولت است که تاکنون چنین برنامه ریزی جامع و بسترسازی برای توسعه کارآفرینی در کشور ما صورت نپذیرفته است. البته در سالهای اخیر حرکت‌هایی توسط دولت در زمینه آموزش کارآفرینی آغاز شده و تا زمانی که آموزشهای کارآفرینی با سیاست‌های دیگری در زمینه‌های مالی، فنی، تحقیقاتی و شبکه‌سازی هماهنگ و تکمیل نگردد، اثربخشی آن با چالش‌های متعددی روبرو خواهد بود.

در این راستا، ارزش تلقی نشدن مقوله کارآفرینی در فرهنگ عمومی جامعه، کمبود اعتماد به نفس در افراد جامعه و بویژه در زنان برای ایجاد و توسعه روحیه و مهارتها و توانایی‌های کارآفرینی، هنجارهای رایج در زمینه تقسیم کار و وجود نوعی مرزبندی طبیعی میان کار زنان و مردان، فرهنگ اقتدارگرا و مرد سالار و رواج باورهای سنتی و کلیشه‌های جنسیتی، نبود و کمبود آگاهی و شناخت گسترده و عمیق جوانان و زنان از محیط‌های اجتماعی، مهاجرت فزاینده جمعیت از روستا به شهر و فقدان سواد و مهارت و توانمندی‌های مورد نیاز برای کارآفرینی، نبود فضای مناسب و مشوق و برانگیزاننده برای شکل‌گیری کسب و کارهای خلاقانه، نگرش‌ها و ارزش‌های دولت‌مدارانه در کارجویان، تصدی‌گری عمده فعالیت‌های اقتصادی کشور توسط شرکتها و موسسات دولتی و در مقابل فضای محدود کسب و کار برای مردم، ارج و منزلت قائل نبودن نهادهای مالی برای کارآفرینی، تسلط شدید دولت و حکومت بر اقتصاد بویژه به لحاظ اقتصاد مالی و مقررات بیش از حد و حکمرانی نامناسب آن، نبود و کمبود زیرساخت‌های نهادی، حقوقی و فیزیکی برای ایجاد و توسعه کارآفرینی، نبود ارتباط و تعامل مطلوب با دنیا، و در نهایت نبود و کمبود امنیت اقتصادی و تضمین حقوق مالکیت، از جمله چالش‌هایی است که در روند توسعه کارآفرینی فرا روی جامعه ما قرار دارد و اگر این چالش‌ها به فرصت تبدیل نشود، در بلندمدت آثار زیانباری بر فرآیند رشد و توسعه کشور تحمیل خواهد کرد.

بنابراین برای ترویج، اشاعه و توسعه کارآفرینی در ایران راهکارهایی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود. بدیهی است با توجه به نقش محوری دولت در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه کشور، عملیاتی نمودن این پیشنهادات از مهمترین وظایف محوری دولت در زمینه توسعه کارآفرینی محسوب می‌گردد.

- نظام آموزش و پرورش پژوهش محور ایجاد و توسعه یابد.
- انواع کارآفرینی‌های فردی و سازمانی مورد تشویق و حمایت قرار گیرند.
- مبانی کارآفرینی و انگیزه‌های کسب موفقیت ویژه دانش آموزان، دانشجویان و والدین آنها آموزش داده شود.
- مربی کارآفرینی در سطوح مختلف آموزش از پیش دبستان تا دانشگاه تربیت گردند.

- کارآفرینان جوان ویژه کسب و کارهای کوچک تربیت شوند.
- مراکز کارآفرینی در شهرداری ها و سایر موسسات عمومی ایجاد و گسترش یابند.
- قوانین و مقررات مالی، مالیاتی، بانکی، گمرکی، اداری، کار و تأمین اجتماعی در جهت حمایت و توسعه کارآفرینی اصلاح گردند.
- دانشکده ها و آموزشگاههای کارآفرینی در جهت تسریع فرآیند کارآفرینی تقویت و گسترش یابند.
- انواع حمایت های آموزشی، مشاوره ای، مالی و اقتصادی، فنی و تخصصی، بازاریابی، تحقیقاتی و مدیریتی در جهت توسعه کارآفرینی صورت پذیرد.
- مراکز رشد و پارک های علم و فناوری بیش از پیش ایجاد و مورد تشویق و حمایت قرار گیرند.
- سند ملی و برنامه راهبردی ویژه توسعه کارآفرینی تدوین گردد.
- شبکه های نوین اطلاع رسانی و حمایت کننده از کارآفرینان ایجاد و توسعه یابند.
- نظام های سنجش و توسعه کارآفرینی به طور هوشمندانه طراحی و به کار گرفته شود.
- جشنواره ملی و استانی در سطوح مختلف کارآفرینی بیش از پیش برگزار گردد.
- داستانهای مستند کارآفرینان در کتب درسی دانش آموزان گنجانده شود.
- فیلم های مستند حرفه ای و کارتونی ویژه کارآفرینی تهیه گردد.
- مسابقه های انتخاب ایده و برنامه کسب و کار ویژه دانش آموزان و دانشجویان برگزار شود.
- موسسات سرمایه گذاری خطرپذیر ویژه فعالیت های کارآفرینانه ایجاد گردد.
- ارتباط بین کارآفرینان با یکدیگر و نیز با تمام گروهها، نهادها، سازمانها و موسسات دست اندرکار کارآفرینی در داخل و خارج از طریق شبکه سازی تسهیل گردد.
- سیاستهای مربوط به تحول اداری در دولت و کارآفرینی دولتی به مورد اجرا گذاشته شود.
- اصلاحات ساختاری و ایجاد بسترهای قانونی و حقوقی مناسب برای فعالیت های سالم و رقابتی و حذف رانت های اقتصادی صورت پذیرد.
- ظرفیت های علمی و فنی کسب و کارهای کوچک به طور اعم و کارآفرینانی که این کسب و کارها را ایجاد می کنند، افزایش یابد.
- بین مراکز مختلف با ماهیت فعالیتی متفاوت مانند دانشگاهها، مراکز تحقیقاتی و کسب و کارها، همکاری عمیق و ریشه دار صورت پذیرد.

- خدمات مشاوره ای در زمینه های فروش و بازاریابی، تهیه و تدوین طرح های توجیهی و استراتژی رقابت، بهبود کیفیت، مدیریت مالی، قوانین و مقررات، صدور کالا و خدمات، کاربرد تکنولوژی اطلاعات و کامپیوتر و طراحی محصولات و خدمات جدید، به صاحبان کسب و کارهای کوچک و کارآفرینانی که اقدام به تأسیس و راه اندازی کسب و کار جدید نموده اند، ارائه گردد.

- پرورشگاه های (انکوباتور) کسب و کارهای جدید تأسیس گردند.

- ارتقاء کسب و کارهای کوچک از طریق شناسایی نقاط ضعف و مشکلات آنها مثل فقدان رقابت در نتیجه فقدان تخصص، مدیریت ضعیف، فقدان دانش فنی و فقدان استاندارد کیفیت انجام پذیرد.

- مشوق هایی به بنگاه های کوچک به منظور تنظیم یک استراتژی جامع کسب و کار ارائه گردد.

- تسهیلات پولی و زیربنایی اساسی به شکل زمین آماده و کارگاههای صنعتی در اختیار افرادی که دارای روحیه ریسک پذیری و کارآفرینی هستند ولی از لحاظ مالی و تجهیزات کارگاهی دچار مشکل می باشند، قرار گیرد.

با این توصیف، روشن و واضح است که تدوین و تصویب قانون ایجاد فضای مساعد کارآفرینی و رفع موانع کسب و کار اگرچه می تواند گامی در این مسیر تلقی شود اما کافی نیست. شاید قوانین بسیاری نیز در این زمینه وجود داشته باشد که به دلایل مختلف در مرحله اجرا مورد توجه قرار نمی گیرند. ضمن آنکه بازنگری دیگر قوانین موجود هم در این راستا ضروری است. لازم به اشاره است که در تهیه پیش نویس قانون " ایجاد فضای مساعد کارآفرینی و رفع موانع کسب و کار " نهادهای صنعتی از جمله انجمن مدیران صنایع، کنفدراسیون صنعت ایران، کمیسیون صنعت اتاق تهران و کمیسیون صنعت اتاق ایران هر کدام به سهم خویش و متناسب با توان خود موثر بوده اند که به رسم مثال "تحلیلی بر پیش نویس قانون ایجاد فضای مساعد کارآفرینی و رفع موانع کسب و کار" تهیه شده در واحد پژوهش انجمن مدیران صنایع به پیوست تقدیم می گردد.

۷- با توجه به ماده ۹۱ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که دستگاههای اجرایی را مجاز به استفاده از نظرات فعالان اقتصادی کرده است، نحوه تعامل بخش خصوصی کشور با نهادهای مرتبط را تشریح نمایید؟ و آیا نظرات و پیشنهادات کارشناسان و فعالان اقتصادی از پشتوانه کافی برای استفاده در تصمیم گیری ها برخوردار است؟

براساس قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جهت گیری رسمی نظام اقتصادی کشور می باید به سمت توسعه بخش خصوصی باشد که این امر مستلزم

چارچوبی فراتر از موضوع تغییر مالکیت است. در بیان دیگر تغییر نظام اقتصادی کشور از دولتی بودن تا خصوصی شدن و از آنجا که در اجرای این قانون بنا است نقش دولت کمترین و نقش مردم بیشترین شود، کار ساده ای نیست. بویژه آنکه از بعد از انقلاب اسلامی رابطه دولت با بخش خصوصی به شیوه ای تعریف شد که این شیوه نه با نظریه های اقتصادی و نه با تجربه جهانی مطابقت دارد.

امروزه هم در چارچوب اقتصاد نهادگرایی و هم در چارچوب 'حکمرانی خوب' مناسبات و تعاملات دولت با بخش خصوصی در تحقق اهداف کلان اقتصاد بسیار تعیین کننده است که فرآیندش می تواند توسعه، رفاه و بهروزی مردم باشد. در این رویکرد حضور تنها یک یا دو نماینده از بخش خصوصی و غیردولتی در کارگروه ها، شوراها و مجامع که در اقلیت مطلق قرار دارند و یا استفاده از نظرات فعالان اقتصادی در دستگامهای اجرایی به معنای تعامل بخش خصوصی با نهادهای مرتبط نیست بلکه اقتصاد ایران باید در راستای اجرای صحیح قانون اصل ۴۴ قانون اساسی ترکیبی از نقش بخش خصوصی تا بخش دولتی را انتخاب کند که این احتیاج به یک کار مطالعاتی و کارشناسی دارد. در واقع یک برخورد خردمندانه با نقش بخش خصوصی و دولت به خصوص در مراجع سیاستگذاری صورت پذیرد بطوریکه این دو نه در مقابل هم بلکه در تعامل سازنده با یکدیگر عمل کنند. در بیان دیگر حوزه های تعامل بین این دو بخش تعریف شود و بین دولت و بخش خصوصی خط مرز روشنی ترسیم شود که هیچکدام از این مرز عبور نکند. در این راستا توانمندسازی بخش خصوصی باید در دستور کار قرار بگیرد و دولت مداخله در کار بخش خصوصی نکند. به عنوان نمونه در شرایط کنونی، اتاق بازرگانی و صنایع و معدن ترکیب دولت و بخش خصوصی است، در حالیکه اتاق یک نهاد خصوصی است و باید به آن اعتماد کرد که خودش تصمیم گیری کند، برنامه ریزی کند و به عنوان یک نهاد معتبر و رسمی بخش خصوصی با دولت تعامل داشته باشد. مورد دیگر اینکه دولت می تواند اختیار کامل شورای رقابت را به یکی از نهادهای مهم بخش خصوصی (نظیر اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران) اعطا کند و رئیس و اعضای آن از طریق نهاد مذکور و دیگر نهادهای مربوط در بخش خصوصی انتخاب شوند. در بسیاری از کشورها، شورای رقابت یا نظارت بر رقابت و بازار در کنترل کامل بخش غیردولتی است و حضور دولت هم صرفاً به عنوان نهاد حاکمیتی است. مجامع صنفی با حضور خود در این شوراها از عادلانه بودن، منصفانه بودن و شفافیت بازارها (طبق مبانی فنی) حفاظت می کنند و مقام های مالیاتی، نظارتی و اجرایی از ابزارهای شوراها مذکور هستند.

۸- به نظر شما بخش خصوصی کشور منابع مالی لازم را برای خرید بنگاههای دولتی در اختیار دارد؟ چه اقداماتی را برای توانمندسازی سرمایه گذاران و فعالان اقتصادی داخلی، برای شتاب بخشیدن به قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مفید میدانید؟

۹- آیا فعالان و مدیران بخش خصوصی کشور را دارای پتانسیل لازم برای برعهده گرفتن مدیریت بنگاههای بزرگ اقتصادی کشور می دانید؟ نظر جنابعالی در خصوص انتقال مدیریت شرکت های دولتی همزمان با فروش مالکیت آنها چیست؟

جامعه ایران با کشورهایی که در خصوصی کردن اقتصاد موفق بوده اند، از نظر ساختار، تاسیسات و نهادهای لازم برای واگذاری بنگاههای دولتی تفاوت های بنیادی دارد که متأسفانه کمتر به آن توجه می شود. در آن کشورها اگر خصوصی سازی خیلی آسان صورت می پذیرد به این دلیل است که زیرساختهای یک نظام آزاد و رقابتی وجود دارد بطوریکه به عنوان نمونه، بانکها در یک نظام رقابتی با کارآمدی بالایی کار خودشان را انجام می دهند، دستگاه قضایی وظیفه خود را به خوبی انجام می دهد، نظام مالیاتی کشور درست کار می کند و بورس کارآیی لازم را دارد. در این صورت اگر به رسم مثال راه آهن بخواهد به بخش خصوصی واگذار شود، خریدار می تواند اوراق قرضه منتشر کند و یا در صورت نیاز با سرمایه گذار خارجی سهام بدهد، در هر حال نهادهای کلیدی و بنیادی برای فعالیت بخش خصوصی وجود دارد. در حالی که در ایران، دولت از دیرباز به دلیل وجود درآمدهای نفتی حضوری گسترده در اقتصاد داشته است و نیز در سالهای سه دهه اخیر به دلایل گوناگون و از جمله به دلیل ملی شدن بسیاری از واحدهای اقتصادی، دولت طیف بزرگتری از فعالیتهای اقتصادی کشور را به کنترل خود درآورده و به این ترتیب حضور دولت در امور اقتصادی فراتر از حدی که رسالت اجتماعی اش ایجاب می کند، گسترده تر شده است. این امر موجب گردید نه تنها تاسیسات و نهادهای لازم برای توسعه و گسترش بخش خصوصی شکل نگیرد بلکه حتی نهادها و نظامات موجود نیز ذاتاً ضد بخش خصوصی و فعالیت رقابتی است. بنابراین قبل از واگذاری بنگاههای دولتی باید ساختار اقتصاد اصلاح گردد. در واقع در مرحله اول اصلاح ساختار اقتصاد باید فلسفه پیدایش و وجود هر سازمان و بنگاه دولتی مورد بررسی کارشناسی قرار گیرد و مشخص شود که آیا آن سازمان و بنگاه زاید است و باید منحل شود، یا باید در سازمان و بنگاه دیگری ادغام شود و یا باید توسعه یابد. در مرحله بعد باید مشخص شود که چه کارهایی را دولت نباید انجام دهد و بخش خصوصی می تواند آن کار را انجام دهد. در این صورت خصوصی سازی موضوعیت پیدا می کند و این سؤال مطرح می شود که چگونه خصوصی سازی را اجرا کنیم، آیا خصوصی سازی باید داخلی باشد یا اینکه تابع رقابت بین المللی باشد. چگونه برای توانمند کردن بخش خصوصی و تسلط آن برمسائل اقتصادی جامعه برنامه ریزی کنیم و مشخص نماییم بخش خصوصی در هر قسمت چه می خواهد، آنوقت مجلس و دولت در جریان کار قرار گیرند و راهکارهای قانونی را تهیه



نمایند. نکته مهمتر در جریان قرار دادن همه مردم در این نهضت خصوصی سازی است. البته در این فرآیند باید به مسایل اجتماعی و جنبه های انسانی قضیه هم توجه داشت. ضمن اینکه مسئله بسترسازی، نظارت، هدایت و سیاست گذاریها نیز به عنوان وظیفه دولت تلقی می شود. در این فرآیند باید توجه داشت که بخش خصوصی معاند دولت نیست بلکه یار و مکمل دولت است که بدنبال سود بیشتر است و باید این انگیزه محترم شمرده شود تا موجبات توسعه و گسترش بخش خصوصی به نفع اقتصاد ملی و اشتغال پایدار فراهم آید.

با این اوصاف در اجرای موفقیت آمیز واگذاریهای بنگاه های دولتی و توانمندسازی بخش خصوصی در جهت شتاب بخشیدن به قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی اقداماتی به شرح زیر ضروری به نظر می رسد:

یکم: اصلاح ساختار اقتصاد و ایجاد تأسیسات و نهادهای لازم برای توانمندسازی بخش خصوصی قبل از خصوصی سازی انجام پذیرد.

دوم: هرگونه مداخلات اداری دولت در امور بنگاه های اقتصادی، قبل از واگذاری بنگاههای دولتی رفع گردد.

سوم: واگذاری در یک فرآیند تدریجی و از بنگاههای برخوردار از ظرفیت و توان رقابتی مناسب شروع شود.

چهارم: در فاصله زمانی که دارایی های دولتی بطور کامل واگذار شود، بنگاهها مشمول مقرراتی گردند که بتدریج ظرفیتهای و توانمندیهای رقابتی را کسب کنند و بازدهی شان افزایش یابد.

پنجم: دولت هدف کسب درآمد از واگذاریها را نداشته باشد بلکه برای تأثیر بر اقتصاد کلان و افزایش رقابت و توسعه بازار و افزایش بهره وری و کارآمدی، بنگاهها را واگذار نماید. (قیمت گذاری بالا نباشد- شرکتهای را در صورت لزوم با شرایط بسیار آسان خصوصی کند).

ششم: دولت رقیب بخش خصوصی نباشد و در واگذاری بنگاهها بازار رقابتی شکل بگیرد و معاملات منصفانه و شفاف باشد. (وضعیت واگذاری شرکت مخابرات تکرار نشود).

هفتم: سرمایه گذاری خارجی در حوزه های واگذاری- البته با رعایت همه اصول و ارزش ها و منافع و مصالح کشور- آزاد شود.

هشتم: جایگاه دولت نسبت به بازارهای کسب و کار صرفاً در حوزه اعمال حاکمیت و نظارت باشد.

نهم: اگر فعالیتی پس از واگذاری به بخش خصوصی متوقف شود یا از بین برود، بطور مسلم دارای اختلال یا مشکلی بوده است که تا قبل از واگذاری به دلیل حضور دولت و پنهان شدن عدم کارایی ها علیرغم وجود اختلالات یا مشکلات مذکور، تداوم داشته است. بنابراین ترس

از اضمحلال فعالیت پس از واگذاری معنا ندارد. موکداً مالکیت بنگاه یا فعالیت را باید هنگام انتقال مدیریت، به بخش خصوصی واگذار کرد.

دهم: اگر فعالیتهای اقتصادی (صنعتی، کشاورزی، خدمات و ...) براساس مزایای نسبی و مطلق و با رعایت هزینه- فایده اقتصادی توجیه پذیر باشد، مسلماً انتقال همزمان مدیریت و مالکیت فعالیت مذکور به بخش خصوصی به دلیل وجود انگیزه های سودآوری در آن، توسعه خواهد یافت. بنابراین بخش خصوصی نه تنها پتانسیل و قابلیت به عهده گرفتن مدیریت را دارد بلکه منابع مالی لازم را هم می تواند تجهیز کند. برای اینکار اقدامات زیر پیشنهاد می شود:

الف) فروش اقساطی بنگاهها مورد تأکید قرار گیرد و سهم آن در کل روشهای فروش شرکتها افزایش یابد.

ب) بابت طلب بخش خصوصی (واقعی) از دولت، بنگاههای اقتصادی به طلبکاران واگذار شود. البته انتخاب نوع بنگاهها و فعالیتهای با بخش خصوصی باشد و مدیریت بنگاهها و فعالیتهای قابل واگذاری هم در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد.

ج) استفاده از روشهای BOOT, BOO, BOT و نظایر آن بیش از گذشته مورد تأکید قرار گیرد.

۱۰- مهمترین چالش های سرمایه گذاران داخلی و خارجی را برای ورود به عرصه واگذاریها (قبل، حین و بعد از واگذاری) بیان نموده و روش های مناسب واگذاری شرکت های دولتی را تشریح بفرمایید؟

اقتصاد ایران در جهان امروز جزو اقتصادهای با درآمد متوسط رو به پایین، نیمه صنعتی و وابسته به نفت و با یک بخش دولتی بسیار بزرگ و گسترده، هم چنین تسلط شدید حکومت و دولت بر اقتصاد بویژه در طول سه دهه گذشته شناخته می شود. این دولت سالاری اقتصاد در درجه اول و قبل از حوزه تصدی گریهای دولتی، متوجه دخالت اداری دولت در امور بنگاههای اقتصادی در مواردی از قبیل قیمت محصول، دستمزد، ارتباط با سرمایه گذاران خارجی، دسترسی به تکنولوژی، دریافت تسهیلات بانکی و بسیاری موارد دیگر است. بدیهی است در چنین فضایی، واگذاریها نتیجه مطلوب در پی نخواهد داشت چرا که در شرایطی که نظام سیاستگذاری علامت های متناقضی را به عاملین اقتصاد می دهد، بسیار مشکل می توان هویت تفکر حاکم بر عرصه سیاست گذاری را شناسایی کرد.

بنابراین حضور دولت و بخش شبه دولتی در اقتصاد، فقدان ثبات در اقتصاد کلان، نبود و کمبود امنیت اقتصادی و تضمین حقوق مالکیت، ارزش تلقی نشدن مقوله سرمایه و سرمایه گذار در فرهنگ عمومی جامعه، فقدان بازار متشکل و عدم کارکرد صحیح بازار در

بخش های مختلف، تعدد مراجع تصمیم گیری، کنترل اداری اقتصاد، تداوم سیاست درون گرایی و نبود ارتباط و تعامل مطلوب با دنیا، بوروکراسی پیچیده و دست و پاگیر و نبود و کمبود زیرساخت های نهادی و حقوقی و مالی از جمله چالش های سرمایه گذاران داخلی و خارجی برای ورود به عرصه واگذاریها است.

در شرایط جدید اقتصاد جهانی که حوزه مدیریت بنگاههای اقتصادی فراتر از مرزهای جغرافیایی- سیاسی کشورها است، واگذاری بنگاههای دولتی از طریق شناخت قانونمندی ها، الزامات و گرایش ها و دگرگونی های اقتصاد جهانی از جمله گسترش بازارها، ظهور شرایط رقابتی نوین، رشد جریان های سرمایه گذاری و فناوری، تعاملات تجاری و پولی و مالی و صنعتی در سطح منطقه ای، ائتلاف های صنعتی، ورود به زنجیره های تولید بین المللی و شبکه های ارزش جهانی و کسب جایگاه مناسب در نظام نوین تقسیم کار بین المللی موفقیت آمیز خواهد بود.

با اتکاء به این روشها و راهکارها و الزامات آن است که کشور ما موفق خواهد شد از طریق دسترسی به سرمایه، فناوری پیشرفته، مدیریت نوین صنعتی و بازارهای گسترده صادراتی، مشکلات و تنگناهای کنونی گذار از اقتصاد دولتی به اقتصاد خصوصی محور را حل و فصل نماید. تجارب موفق خصوصی سازی برخی کشورها در دهه های گذشته نشان می دهد که پدیده درهم آمیزی آنها با اقتصاد بین المللی- ضمن توجه به ضرورت های ملی- می تواند از کشوری توسعه نیافته، جامعه ای صنعتی با تولید و صادرات انبوه ایجاد کند.

۱۱- با گذشت بیش از دو سال از ابلاغ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، فضای اقتصادی کشور را تا چه حد در راستای تسهیل رقابت و منع انحصار از فعالیت های اقتصادی می بینید؟ برای بهبود این فضا چه راهکارهایی را پیشنهاد می نمایید؟

براساس نظریه های اقتصادی، در صورت وجود بازار رقابت کامل، تخصیص بهینه منابع انجام گرفته و نیازی به مداخله دولت در اقتصاد نیست ولی به دلیل عدم تحقق بازار رقابت کامل و موارد عملی شکست بازار به ویژه انحصارات، دخالت دولت برای تکمیل کارکردهای بازار مورد پذیرش کلی قرار گرفته است. از این نوع دخالت دولت در اقتصاد به دخالت های مطلوب و موافق بازار یاد می شود که به طور مستقیم باعث جهت دهی منابع به سمت فعالیت های خاصی نمی شود اما در عین حال سعی در رفع ناتوانی ها و شکست های بازار دارد. در حالیکه در اقتصاد ایران بواسطه اتفاقاتی که بویژه از زمان انقلاب افتاد، دولت و نهادها و بنیادها بر حدود ۸۰ درصد اقتصاد مسلط شدند و از طرفی که عمده درآمد ارزی کشور از محل نفت در انحصار دولت قرار دارد و نیز قدرت های دیگر دولت در جهت هایی به

کار رفته است که ذاتاً رقابتی نیست. نحوه سیاست های رفتاری دولت در اقتصاد طی سه دهه گذشته بویژه به لحاظ اقتصاد مالی و مقررات بیش از حد مطلوب، فضای اقتصادی کشور را از نظر برقراری شرایط رقابتی با مشکل مواجه کرده است بطوریکه یک چارچوب قانونی و نهادی در کشور حاکم شد که توزیع کننده رانت است که طبعاً به دنبال خود تحمیل مقررات، بزرگ شدن دولت و عدم کارایی را بوجود آورده است. در واقع دولت در تمام کارها دخالت می کند و اصولاً بخش خصوصی مستقل از خودش را بر نمی تابد. عملکرد چنین اقتصادی موجب کاهش سهم بخش خصوصی در اقتصاد می شود. همچنین افزایش درآمدهای حاصل از صادرات نفت موجب افزایش واردات به گونه ای شده است که برخی از فعالان اقتصادی بخش خصوصی در بخش کشاورزی متضرر شده اند. افزایش واردات کالاهای صنعتی ساخته شده نیز، موجب رکود و توقف برخی از فرایندهای صنعتی داخلی شده است که بخش خصوصی زیان اصلی ناشی از این وضعیت را متحمل شده است. از سوی دیگر در فعالیتهای سرمایه گذاری و اجرای طرحهای عمرانی، دولت تعامل بیشتر را با بخش غیردولتی (شبه دولتی) داشته است و پیمانکاران بخش خصوصی هم در اخذ کار با مشکل عدم توانایی رقابت با بخش غیردولتی تحت حمایت کامل دولت قرار گرفته اند. از سویی نیز برخی پیمانکاران مذکور به دلیل عدم دریافت طلب های قبلی خود از دولت با بحران مالی، توقف، رکود، اخراج کارکنان و نهایتاً نسبت به بخش عمومی غیردولتی (شبه دولتی) و دولت تضعیف شده اند بطوریکه در مجموع می توان گفت فضای بازارهای کسب و کار به سمت حاکمیت شرایط رقابتی پیش نرفته است.

با این حال، توانمندسازی بخش خصوصی، عدم مداخله دولت در کار بخش خصوصی، ترسیم خط مرز روشن بین دولت و بخش خصوصی، تعریف و تبیین و برقراری یک نظام نظارتی موثر و جامع به دور از ملاحظات سیاسی و صنفی، قانونمند شدن و احترام به قوانین در درجه اول توسط خود دولت و ارکان حکومت، کوچک و کارآمد شدن دولت، ایجاد محیط رقابتی برای انجام فعالیتهای اقتصادی، تولید و اشاعه اصلاحات صحیح و ایجاد شفافیت رفتاری و اطلاعاتی، تعریف اصول و موازین ورود به کسب و کار، و تضمین حقوق مالکیت مادی و معنوی از جمله راهکارهایی است که در راستای تسهیل رقابت و منع انحصار از فعالیت های اقتصادی پیشنهاد می شود.

۱۲- با توجه به اینکه جناب عالی براساس بند ۱۷ ماده ۴۱ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، به عنوان صاحب نظر اقتصادی از بخش خصوصی و با حکم رئیس جمهور به عضویت شورای عالی اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی منصوب شده اید،

اقدامات خود را در جهت ارتباط مستمر و موثر دولت و بخش خصوصی برای تدوین قوانین و مقررات مربوطه تبیین بفرمایید؟

اینجانب به عنوان خدمتگزار بخش خصوصی نه تنها در شورایی عالی اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بلکه در طول بیش از پنج دهه فعالیت های صنعتی و اجتماعی در تعقیب راهی که انتخاب کرده ام با مشارکت و همکاری در کارگروهها، کمیسیونها، شوراها، انجمن ها، تشکل ها، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، اتاقهای مشترک، سمینارها و همایش ها، شورای عالی کار، شورای رقابت و دیگر نظامات و نهادها و دستگاههای مسئول و تصمیم گیر در سطح کلان، همکاری که یک انسان مسئول و تأثیرگذار می توانست انجام دهد، با توجه به تواناییهای خود و با درک حساسیت و مسئولیت در جایگاهی که قرار گرفته ام، انجام داده ام و ثمره یک عمر تلاش و تجربه در کارآفرینی وتشکل گرایی را به منظور حل مسایل ومشکلات جامعه ای که به آن عشق می ورزم را در اختیار مراجع ذیربط قرار داده ام. در این راستا کتاب و مقالات تهیه شده توسط خود و پژوهشکده صنعتگر با عناوین- بررسی، تحلیل و انتخاب راهکارهای توسعه صنعت کشور- استراتژی توسعه صنعتی در خدمت اشتغال و رفاه جامعه- تشکل های اقتصادی بستری مناسب برای توسعه صنعتی- توانمندی های بخش خصوصی در توسعه استحصال و بهره برداری از گاز طبیعی در کشور- معرفی طرح مطالعاتی بررسی و تحلیل و انتخاب راهکارهای توسعه صنعت کشور- مشکل صادرات غیرنفتی ایران- پیام های مربوط به مطالعات طرح تدوین استراتژی توسعه صنعتی کشور- تا فرصت باقی است با استفاده از ذخایر نفت و گاز کشور را در مسیر توسعه پویا قرار دهیم- نقش تعالی سازمان ها در نجات اقتصاد ملی- تشکل های صنعتی و جایگاه اخلاق حرفه ای در ساختار و کارکرد آن- نظراتی پیرامون تشکل های صنعتی و جایگاه اخلاق حرفه ای در ساختار و کارکرد آن- چرا به توسعه مطلوبمان نمی رسیم- سخنی با یاران صنعتگر- توسعه صنعتی و بخش خصوصی- تشکل گرایی بستری مناسب برای توسعه صنعتی- اولین همایش ملی حسابداری و صنعتی- اقدامات و ابتکارات مدیران صنعت کشور برای ارتقاء مسئولیت اجتماعی- راه پیش روی مجمع (کنفدراسیون) صنعت ایران- سخنی از یک خدمتگزار صنعت- در جستجوی توسعه مطلوب- ارتقاء کیفیت و عملکرد راهبری نظام های اقتصادی- صنعتی- استفاده خردمندان از ابلاغیه مقام معظم رهبری درباره سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی- به مناسبت مراسم دانش آموختگی پردیس دانشکده های فنی در سال ۱۳۸۵- صنعتگر پیشرو در خدمت توسعه ملی و رفاه اجتماعی- گفتاری کوتاه درباره خصوصی سازی در راستای سیاست های اصل ۴۴- به مناسبت اجلاس مشترک اعضای هیأت مدیره سراسری انجمن مدیران صنایع ایران- دخالت دولت در اقتصاد و تعیین قیمت های بازار- غلبه بر مشکلات اقتصادی و اجتماعی در گروهی اتحاد، مشارکت و

همسویی تشکل های بخش خصوصی است- جایگاه اندازه گیری و ارزیابی عملکرد بنگاههای اقتصادی در تعالی سازمان ها- حرفه مهندسی در الگوی توسعه صنعتی و اقتصادی کشور- ده مولفه مهم کارآفرینی- راهکارهایی برای برون رفت از موانع تولید و سرمایه گذاری- ملاحظاتی درباره مالیات بر ارزش افزوده- راهبرد نوآوری در صنعت و معدن- صنعت و معدن کشور در مسیر توسعه- حتی در بیابان هم می توان شکوفا شد- نقشه راه تشکل ها در مسیر توسعه پایدار و تحقق چشم انداز بیست ساله کشور- نقدی بر راه اندازی نهضت ملی کاهش قیمت تمام شده راهکاری برای نجات اقتصاد کشور- حمایت از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان لوازم خانگی بعد از اجرای هدفمند کردن یارانه های انرژی- راهکارهای پنجگانه در خدمت مدل سرآمدی جایزه ملی بهره وری و تعالی سازمانی در سازمانهای کشور- نرخ ارز و آثار آن در اقتصاد و صنعت کشور- مقررات بهینه و رشد کسب و کار- تعالی سازمانی و توانمندسازی بخش خصوصی- گزارش کارشناسی علمی و پژوهشی در خصوص راهکارهای توانمندسازی بخش خصوصی- توانمندسازی بخش خصوصی در راستای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی- اجرای صحیح سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی الگویی نو برای اصلاح ساخت اقتصاد کشور- نودوستی و سخت کوشی، هموارکننده راه توسعه (بیانیه صنعتگر)- و راه محسن خلیلی در یک نگاه- را به پیوست تقدیم می نمایم. گفتنی است که به سبب ابتلا به سرطان و طی فرآیند درمان آن از طریق شیمی درمانی حدود هشت ماه عاجز از ارائه خدمات جاری بوده ام.

۱۳- با تشکر از حوصله ای که در پاسخگویی به سوالات ما به خرج دادید در خاتمه اگر مطلبی در طول مصاحبه مغفول مانده است در تکمیل بحث بیان بفرمایید؟

تجارب اقتصاد جهانی و جایگاه دولت در اقتصاد حاکی از آن است که کشورهای دنیا در اداره و مدیریت اقتصاد و دستیابی به یک اقتصاد پویا، استفاده حداکثری از تواناییهای جامعه را هدف گرفته اند به نحوی که سهم دولت در اقتصاد به سود بخش خصوصی در حال تعدیل و تقلیل است. کشورها به خوبی دریافته اند که استقلال سیاسی آنان در گروی استقلال اقتصادی است و نیل به استقلال اقتصادی نیز با محوریت بخش خصوصی و نقش شایسته آن در رشد و توسعه اقتصادی امکانپذیر است.

تجارب کشورها همچنین نشان داده است که بین رشد و توسعه اقتصاد با کثرت انسانهای اقتصادی یا به معنای امروزی بخش خصوصی همبستگی مثبت وجود دارد. زیرا کشوری که دارای تعداد زیادی انسانهای اقتصادی کارآفرین باشد از محرک های تجاری و اقتصادی قویتری برخوردار است. افزون بر این صرفه جویی در مصرف منابع که یکی از روشهای متداول ارتقاء بهره وری نیروی انسانی، سرمایه و منابع طبیعی در اقتصاد هر کشور

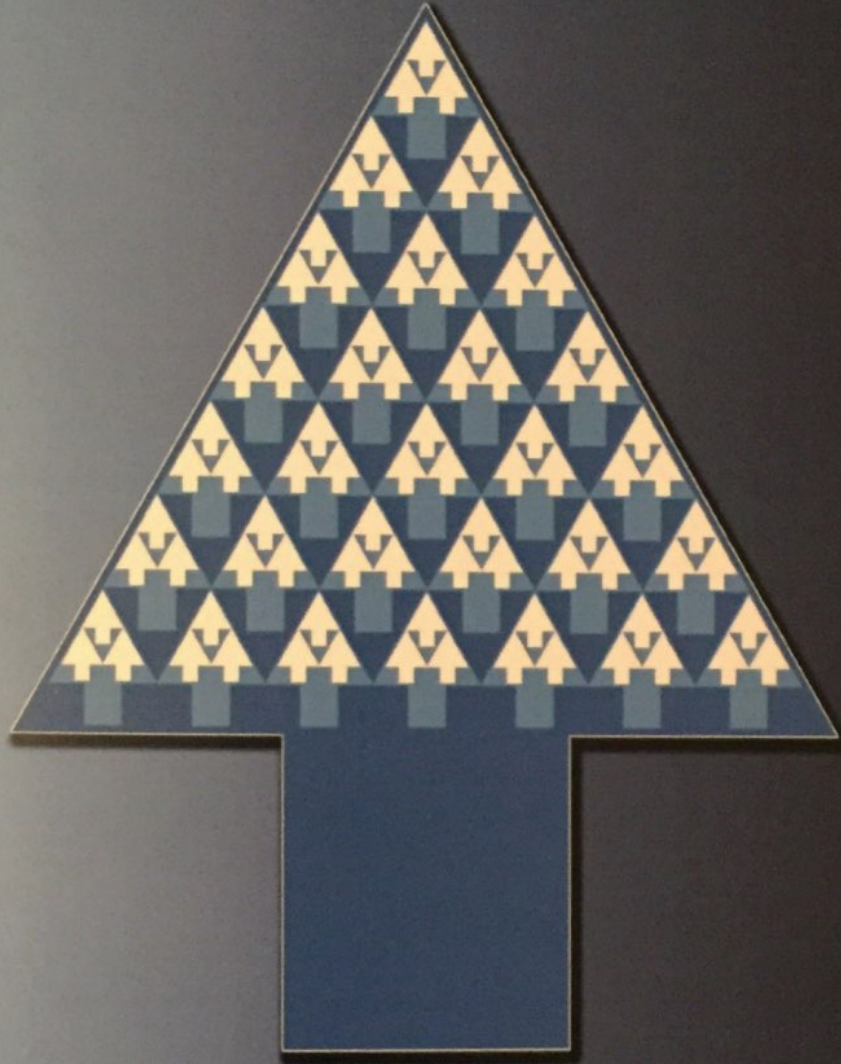
است عموماً در بخش خصوصی اتفاق می افتد و این بخش ماهیتاً صرفه جو و به دنبال بهینه کردن هزینه ها است.

چنان که اغلب اقتصاد دانان پیش بینی می کنند، قرن حاضر عرصه شدید رقابت در بازارهای بین المللی خواهد بود و اگر بسترهای لازم برای ورود اقتصاد ایران به عرصه های رقابتی جهانی مهیا نشود، ضربات شدیدی به اقتصاد کشور وارد خواهد شد که جبران ناپذیر است. بنابراین رها ساختن دولت از هر نوع وظایف اجرایی تا آنجا که بتواند به تنظیم سیاستها و برنامه های دورنگر و آینده مبادرت ورزد و بر اجرای سیاستها و استراتژیهای تعیین شده نظارت کند و در مقابل، توانمندسازی بخش خصوصی و جلب مشارکت موثر آن در تصدی گری بنگاههای دولتی و نیز گرایش به سمت رقابت در بخشهای مختلف اقتصادی برای حضور معنادار در بازارهای بین المللی از ضروریات محتوم اقتصاد ایران است.

اینجانب به عنوان خدمتگزار بخش خصوصی در شورای عالی اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی با عنایت به ابلاغیه مقام معظم رهبری و قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ که بر آن اساس تدوین شده است، آنچه که شورای عالی سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و زیرمجموعه آن تاکنون انجام داده را بدون تردید گامی اساسی در راه خصوصی سازی اقتصاد کشور می دانم که شکاف های لازم را بر تصدی گری دولت در بنگاه های اقتصادی وارد کرده است و انتظار می رود این روند با همکاری، همدلی و همفکری کلیه دست اندرکاران اعم از دولتی و خصوصی شتاب بیشتری یابد تا انشاء الله در زمان نه چندان دور خصوصی سازی اقتصاد بطور کامل تحقق یابد و کشور را که دارای مزیت ها، امکانات و ویژگیهای نادر و استحقاق برای بالندگی بیشتر است به درجه و مرتبه ای که شایسته آن است رهنمون شود.

محسن خلیلی عراقی

# حکایت دولت تصدی گری بخش خصوصی



تعمیر